ادامه از صفحه اول

پژوهشگاه یا دانشگاه آموزش با کدام است؟

چون دانشگاه مأموریت پاسخ‌گویی به سؤالات تخصصی حوزه خاصی را عهده‌دار نیست. دانشگاه مأموریت مهم دیگری دارد که تربیت نیروی متخصص در حوزه‌های مختلف است. بنابراین دانشگاهیان آزاد هستند تا اطراف هر موضوعی که در راستای حوزه تخصصی آنهاست، پژوهش کنند. پژوهشِ عضو هیأت علمی دانشگاه معمولا به یکی، دو محور پژوهشی محدود نیست. گستره موضوعات پژوهشی عضو هیأت علمی دانشگاه معمولا بسیار وسیع‌تر از عضو هیأت علمی پژوهشگاه است. حتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی این امکان را دارند که به استاد راهنمای خود، موضوع پژوهش رساله کارشناسی ارشد یا دکترا را پیشنهاد کنند. مخلص کلام آنکه پژوهش عضو هیأت علمی دانشگاه در قیاس با پژوهشگاه معمولا انسجام بسیار کمتری دارد. انسجام میان فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی دانشگاه نیز برهمین‌اساس، به طریق اولی بسیار کمتر است. قاعده پژوهش در دانشگاه چنین است. البته استثنائاتی همواره وجود دارد. دوم: عضو هیأت علمی پژوهشگاه معمولا برخی پروژه‌های پژوهشی را منفردا و بدون دستیار اجرا می‌کند، بعضی را نیز در قالب کار گروهی با کمک دستیار. وجود دستیاران پرتوان پژوهشی در کنار عضو هیأت علمی، امری مألوف در سراسر جهان و به‌راستی یک ضرورت است. چون به عضو هیأت علمی امکان می‌دهد تا افزون بر اجرای مستقیم چند پروژه پژوهشی، تعدادی پروژه پژوهشی دیگر را نیز به طور هم‌زمان هدایت کند. استفاده بهینه از انرژی و ظرفیت عضو هیأت علمی، سرعت پاسخ‌گویی به نیازهای تخصصی کشور و همچنین سرعت تولید دانش را مضاعف می‌کند. عضو هیأت علمی ایده‌پردازی می‌کند و دستیاران پژوهشی با برنامه‌ریزی و هدایت استاد ایده او را می‌شکافند. دستیار پژوهشی بهتر است دانشجوی تحصیلات تکمیلی باشد تا کارمندِ کارشناس. چه، دانشجو انرژی و نشاط جوانی دارد همراه با انگیزه‌ای قوی برای پیشرفت، که خلاقیت، پشتکار، سرعتِ پاسخ‌گویی به نیازهای تخصصی کشور و نیز سرعتِ تولید دانش را افزایش می‌دهد. کارمندِ کارشناس اما متناسب با افزایش عمر، انرژی، نشاط و انگیزه پژوهشی‌اش قهرا کاهش می‌یابد که تقلیل خلاقیت، پشتکار، سرعت پاسخ‌گویی به نیازهای تخصصی کشور و سرعت تولید دانش را موجب می‌شود. دانشجو پس از چند سال کار علمی پژوهشی، فارغ‌التحصیل شده و یک متخصص جدید به جمع نیروهای متخصص کشور اضافه می‌شود. کارمندِ کارشناس اما تنها خود تجربه کسب می‌کند و در فرایند پژوهش، نیروی متخصصِ جدید تربیت نمی‌شود. سوم: دانشجویان تحصیلات تکمیلی که قرار است در پژوهشگاه روی موضوعی پژوهش کنند، بدیهی است که نیازمند آن هستند تا قبل از آغاز پژوهش، برخی درس‌های تخصصی پیش‌نیاز را بگذرانند. استاد راهنما و اعضای هیأت علمی پژوهشگاه که سال‌هاست اطراف موضوع و محور موردنظر پژوهش و مرزهای دانش را جابه‌جا کرده‌اند، بدیهی است که در آن حوزه تخصصی، مسلط، به روز و صلاحیت کامل تدریس را دارا هستند. صلاحیت اعضای هیأت علمی پژوهشگاه برای تدریس دروسی که در اطراف آن مقالات متعددی را منتشر و تولید دانش کرده‌اند، مسلما از اعضای هیأت علمی دانشگاه کمتر نیست که معمولا اطراف آن موضوع یا مقاله‌ای ننگاشتند یا کمتر نگاشتند. دقیقا به همین سبب است که در بسیاری از دروس تخصصی که پژوهشگاه‌ها ارائه می‌کنند، دانشجویان دانشگاه‌ها نیز به عنوان میهمان شرکت می‌کنند. همچنین به همین سبب است که بسیاری از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه‌ها، پیوسته برای تدریس پاره‌ای دروس تخصصی به دانشگاه‌ها دعوت می‌شوند. لذا منطقی نیست مسئولیت تدریس دروس تخصصی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، از پژوهشگاه ستانده و بر عهده دانشگاه گذاشته شود. جمع‌بندی/ دانشگاه و پژوهشگاه، دو رکن نظام علمی کشور هستند با مأموریت‌های متفاوت. مأموریت دانشگاه، تربیت نیروی متخصص است و مأموریت پژوهشگاه، پاسخ‌گویی به سؤالات تخصصی جامعه در حوزه‌ای خاص. پژوهش در پژوهشگاه مأموریت‌گرا و منسجم است. اما در دانشگاه، پژوهش مأموریت‌گرا نیست و دایره انتخاب موضوع بسیار گسترده‌تر است. اعضای هیأت علمی پژوهشگاه برخی پروژه‌های پژوهشی را منفردا، برخی را نیز با کمک دستیاران پژوهشی اجرا می‌کنند. دانشجوی تحصیلات تکمیلی، به یُمن انرژی، نشاط جوانی و انگیزه بالا، بهترین دستیار پژوهشی است که حضورش در پژوهشگاه، سرعت پاسخ‌گویی به نیازهای تخصصی کشور و همچنین سرعت تولید علم را مضاعف می‌کند. صلاحیت پژوهشگاه و اعضای هیأت علمی آن، برای تدریس دروسی که پیوسته در حوزه آن مقاله منتشر و علم تولید می‌کنند، محرز و بیش از دیگران است. واگذاری مسئولیت آموزش دروس تخصصی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه به دانشگاه، همان اندازه خطاست، که واگذاری مسئولیت هدایت رساله‌های مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه به پژوهشگاه. در دانشگاه، آموزش اصل است و پژوهش فرع. اما در پژوهشگاه، پژوهش اصل است و آموزش فرع. در دانشگاه پژوهش در خدمت آموزش است. اما در پژوهشگاه، آموزش در خدمت پژوهش است.

برادر متهم در گفت‌وگو با «شرق» توضیح داد

اعدامی زنده‌شده همچنان نیازمند کمک

شرق: مرد اعدامی که دو سال قبل به جرم حمل مواد مخدر به دار آویخته شد اما زنده ماند، به دلیل آسیب مغزی، دچار اختلالاتی شده و به درمان خارج از زندان نیاز دارد.به گزارش خبرنگار ما، این مرد که علیرضا نام دارد بهمن‌ماه دو سال قبل به جرم حمل مواد مخدر پای چوبه دار رفت و در زندان بجنورد به دار آویخته شد. درحالی‌که جسد در کاور پزشکی قانونی قرار گرفته و در سردخانه نگهداری می‌شد، کارگر سردخانه متوجه حرارتی که از دهان جسد بیرون آمد شد و بلافاصله مسئولان را مطلع کرد. آنها در معاینات خود متوجه شدند این مرد زنده است. سپس جسم بیهوش علیرضا به بیمارستانی در بجنورد برده شد و بعد از بستری‌شدن در آی‌سی‌یو و مراقبت‌های شبانه‌روزی پزشکان به‌هوش آمد. پرونده علیرضا که یکی از عجیب‌ترین پرونده‌های قضائی چند سال اخیر است، به یکی از بحث‌برانگیزترین پرونده‌ها نیز تبدیل شد و نقطه نظرات متفاوتی بین قضات به وجود آمد؛ برخی بر این عقیده بودند چون اعدام، مجازات این مرد بوده است، باید حکم دوباره درباره او اجرا شود اما برخی بر این باور بودند که حکم یک بار اجرا شده و این مرد از مرگ نجات پیدا کرده است؛ بنابراین نباید او را دوباره مجازات کرد. درنهایت کمیسیون عفو و بخشودگی قوه قضائیه تشکیل جلسه داد و علیرضا را با توجه به اینکه حکم اعدام در مورد او اجرا شده و ۱۲ دقیقه هم بالای چوبه دار نگهداری شده و پزشک قانونی که زمان اجرای حکم در محل بوده، مرگ او را تأیید کرده بود مستحق تخفیف تشخیص داد و حکم اعدام او را به حبس ابد تبدیل کرد. وقتی خبر زنده‌شدن علیرضا رسانه‌ای شد، زندگی شخصی این مرد نیز زیر ذره‌بین رفت و مشخص شد او سه فرزند دارد و پنج سال قبل از اجرای حکم زندانی شده بود. فرزندان وی به دلیل شرایط بد مالی ترک تحصیل کرده بودند و تحت نظر کمیته امداد قرار داشتند تا اینکه خیرین به سه فرزند علیرضا و همسرش کمک‌های مالی زیادی کردند و آنها دوباره به زندگی برگشتند و موفق شدند خانه‌ای کوچک در بجنورد اجاره کرده و زندگی عادی داشته باشند. اما در این میان وضعیت علیرضا چندان فرقی نکرد. اصغر ماماقانی برادر اعدامی زنده‌شده دراین‌باره به خبرنگار ما گفت: از روزی که علیرضا اعدام شد و من برای تحویل جسدش به پزشکی قانونی رفتم و همان‌جا به ما گفتند برادرم زنده مانده است تا همین امروز که با شما صحبت می‌کنم، سختی‌های زیادی کشیدم. در این مدت شکر خدا همسر و فرزندانش وضعیت خوبی پیدا کردند و با کمک خیرین موفق شدند زندگی خوبی برای خودشان درست کنند اما علیرضا وضع خوبی ندارد. او از انجام کارهای روزمره خودش هم ناتوان است. برای اینکه در زندان وضعیتش بدتر نشود، به یک زندانی ماهانه پول می‌دهم تا کارهای برادرم را انجام دهد. او را به دستشویی و حمام ببرد و به او غذا بدهد. او حواس درستی هم ندارد. هفته‌ای یک بار به زندان می‌روم تا او را ملاقات کنم. اول من را نمی‌شناسد کمی که می‌گذرد به یاد می‌آورد چه کسی هستم البته دکترهای زندان به او رسیدگی می‌کنند و داروهایی به او می‌دهند که بابت آن از من پولی نمی‌گیرند و کاملا رایگان است اما برای اینکه بتواند روی پای خودش بایستد نیاز به فیزیوتراپی و درمان‌های دقیق‌تر دارد و اگر در بیمارستان بستری شود، حالش بهتر می‌شود. می‌خواستم او را با سند آزاد کنم که متوجه شدم مشکل دیگری در پرونده برادرم وجود دارد. این مرد گفت: آن زمان فهمیدم علیرضا یک پرونده درگیری هم دارد و در آن به پرداخت دیه محکوم شده است. هرچه دراین‌باره از برادرم می‌پرسیدم نمی‌دانست فرد شاکی کیست و اصلا به یاد نداشت چه اتفاقی افتاده است. آدرس شاکی هم عوض شده بود و نمی‌توانستم از روی پرونده، آن را پیدا کنم. با سختی زیادی توانستم آن مرد را پیدا کنم و قبول کرد بخشی از دیه که حدود ۱۵ میلیون بود را بگیرد و رضایت بدهد. ضمن اینکه مسئولان زندان می‌گفتند چون علیرضا شاکی خصوصی دارد، نمی‌توانند به او مرخصی بدهند. من هرچه پس‌اندازم بود جمع کردم و برای دیه برادرم دادم؛ حالا هم که موفق شدم برای او رضایت بگیرم دیگر برایم پولی نمانده است که برادرم را برای مداوا به تهران بیاورم. یک خانه هم دارم که می‌خواهم سند آن را برای آزادی برادرم گرو بگذارم. از پزشکان و مردمی که می‌توانند به برادرم کمک کنند تا دوباره روی پای خودش بایستد درخواست کمک دارم. من هم نمی‌توانم بیشتر از این برای برادرم هزینه کنم چون خودم هم یک کارگر هستم و زن و بچه دارم.

وی درباره آخرین وضعیت پرونده برادرش گفت: علیرضا به خاطر پرونده ضرب‌وجرح نمی‌توانست از زندان آزاد شود اما وقتی رضایت را از شاکی خصوصی گرفتیم درخواست تجدیدنظر دادیم و پرونده حالا در دادگاه تجدیدنظر است تا درباره پرونده شاکی خصوصی اظهارنظر کند. با توجه به اینکه هفت سال از ۱۰ سال حبسی که به خاطر این پرونده داشت را گذرانده است و در صورتی که دادگاه تجدیدنظر رأی بدهد، می‌تواند با سند از زندان آزاد شود. پزشکان برادرم گفته‌اند اگر روند درمان او در خارج از زندان انجام نشود، وضعیت او روزبه‌روز بدتر خواهد شد و من برای این کار نیاز به کمک دارم.

گروگان‌گیری نافرجام رمال شیاد و همسرش

شرق: نقشه رمال شیاد که با همدستی همسرش و با فریب دو زن، یکی از آنان را گروگان گرفته بود، فاش شد.

زن ۳۴ساله‌ای به نام «راضیه» چندی پیش به دلیل حل مشکلات خانوادگی که اعصاب و روان او را به هم ریخته بود، سراغ زن و شوهر رمالی رفت که در نزدیکی محل سکونت آنها خانه‌ای را اجاره کرده بودند.

رمال و همسر ۲۶ساله‌اش وقتی اضطراب و نگرانی زن جوان را مشاهده کردند، نقشه‌ای کشیدند. مرد رمال به راضیه گفت: «برای بازگشایی قفل مشکلات زندگی تو سه کلید لازم است و تا این کلیدها را آماده نکنی از این مشکلات رهایی نخواهی یافت. اول اینکه ساختمان نیمه‌سازی را که در حال ساخت آن هستی به نام ما سند بزنی، دوم زنی به نام اکرم را نزد ما بیاوری و شرط سوم را هم وقتی دو مورد اول را با موفقیت انجام دادی به تو خواهیم گفت».

زن ۳۴ساله که مصمم بود به هر قیمتی شده مشکل خودش را حل کند، ساختمان در حال ساخت را به نام مرد رمال سند زد. او در دومین مرحله، با توصیه زوج رمال به اکرم که مدیر یک آرایشگاه بود نزدیک شد و با او طرح دوستی ریخت.

راضیه با ترفندی حیله‌گرانه، پس از جلب اعتماد زن جوان، غروب روز شنبه پنجم دی‌ماه سراغ زن آرایشگر رفت و قرار گذاشتند با هم به جایی بروند.

او زن آرایشگر را به خانه مرد رمال کشاند، اما مرد رمال و همسرش دست و پای زن آرایشگر را بستند. آنها قصد سرقت خودروی پژو ۲۰۶ این زن را داشتند که نتوانستند نقشه خود را عملی کنند؛ چراکه خودرو به سیستم بازدارنده از سرقت مجهز بود.

فرمانده انتظامی خراسان‌رضوی دراین‌باره گفت: ساعت ۲۳ روز شنبه گذشته مرد جوانی در تماس با پلیس ۱۱۰ اظهار کرد همسرش که مدیر یک سالن آرایش و زیبایی است و هر روز ساعت هفت تا هشت شب به خانه برمی‌گردد، مفقود شده است. سرتیپ بهمن امیری‌مقدم افزود: در پی اعلام این موضوع، تیم‌های پلیس بلافاصله وارد عمل شدند و تحقیقات خود را آغاز کردند. وی افزود: اقدامات پلیسی پس از چند ساعت به کشف خودرو پژو ۲۰۶ نوک‌مدادی مفقودشده در شهرک عسگریه مشهد منجر شد.

امیری‌مقدم اظهار کرد: هم‌زمان با تحقیق از شاگرد آرایشگاه سرنخ‌های دیگری به دست آمد که نشان می‌داد زن مفقودشده با زنی جوان از محل کار خود خارج شده است.

وی گفت: با این اطلاعات، ردزنی‌های علمی پلیس به نتیجه رسید و منزل مسکونی که زن مفقودشده به آن رفته بود شناسایی شد. پلیس در بازرسی از محل، مدیر آرایشگاه را آزاد کرد و راضیه و همسر۲۶ساله صاحبخانه را به دام انداخت.

رخداد

آتش‌سوزی جزئی در مجموعه برج میلاد

● سخنگوی سازمان آتش‌نشانی، آتش‌سوزی در حوالی پارک دلفین‌ها را جزئی خواند و گفت: همان زمان حادثه، این آتش‌سوزی توسط مأموران آتش‌نشانی مستقر در برج میلاد مهار شد. سیدجلال ملکی گفت: حوالی ساعت ۱۶ سه‌شنبه به دلیل آتش‌سوزی ضایعات در محوطه پارک دلفین‌ها، شهروندان این آتش‌سوزی را به آتش‌نشانی اعلام کردند اما پیش از اینکه مأموران ایستگاه‌های آتش‌نشانی به محل حادثه برسند، این آتش‌سوزی توسط آتش‌نشانان برج میلاد مهار شد.

حادثه در پیست اتومبیل‌رانی

● رئیس بیمارستان ولیعصر (عج) اراک گفت: حادثه اتومبیل‌رانی در پیست اتومبیل‌رانی اراک، شش مصدوم بر جای گذاشت. سیدمحمد جمالیان اظهار کرد: در مسابقه اتومبیل‌رانی اراک که هشتم آبان ماه برگزار شد، یکی از رانندگان ماشین‌های مسابقه، با ازدست‌دادن کنترل خود و واردشدن به جایگاه تماشاگران باعث جراحات شدیدی به برخی از تماشاگران شد. وی تصریح کرد: در پی این حادثه مصدومان بلافاصله به اورژانس بیمارستان ولیعصر(عج) منتقل شدند و پزشکان و همکاران اورژانس تمامی اقدامات لازم را برای رسیدگی به وضعیت مصدومان به عمل آوردند. رئیس بیمارستان ولیعصر (عج) اراک گفت: متأسفانه در این سانحه شش نفر مصدوم شدند که در بین مصدومان یک کودک چهارساله نیز وجود دارد.

اختلافات ملکی منجر به قتل شد

● جوان ۲۲ساله عشایر، قربانی نزاع خونین ناشی از اختلاف ملکی در دیر شد. یک منبع آگاه در گفت‌وگو با «فارس» گفت: صبح دیروز جوان ۲۲ساله عشایری به نام (حسن- ق) بر اثر اختلافات ملکی در روستای کورک از توابع بخش مرکزی شهرستان دیر، توسط فردی دیری به نام (م- م) به ضرب گلوله به قتل رسید. وی اظهار کرد: مقتول ۳۳ساله دیری با ادعای اینکه عشایر در ملک وی سکنی گزیده‌اند، با اسلحه شکاری خود به چراگاه عشایر رفت و بعد از مشاجره لفظی با شلیک یک گلوله از اسلحه شکاری خود، این جوان عشایری را به قتل رساند. این منبع آگاه افزود: بلافاصله قاتل توسط پلیس آگاهی دستگیر و برای سیر مراحل قانونی تحویل مقامات قضائی شد.

پنج قاره

سرقت اموال سیل‌زدگان در شمال انگلیس

روزنامه‌های انگلیس در گزارش‌هایی نوشتند سارقان اموال سیل‌زدگان در برخی از مناطق سیل‌زده این کشور را که به دلیل ترس از سیل، خانه‌های خود را رها کرده‌اند، هدف قرار داده‌اند. سارقان به دنبال سرقت وسایل ارزشمند سیل‌زدگان همچون جواهرات و وسایل الکتریکی آنها مانند لپ‌تاپ هستند. برخی از سیل‌زدگان در منطقه یورکشایر گفته‌اند از ناپدیدشدن برخی از وسایل ارزشمند خانوادگی‌شان هنگام بازگشت به خانه‌هایشان دچار شوک و ناراحتی شده‌اند. افسران پلیس از سه‌شنبه‌شب هم‌زمان با نزدیک‌شدن توفان فرانک، به منظور جلوگیری از سرقت اموال مردم توسط سارقان، گشت‌های شبانه به راه انداخته‌اند. پلیس یورکشایر غربی می‌گوید گزارش‌هایی درباره سرقت وسایل از خانه‌های سیل‌زدگان دریافت کرده است. «توماس گرین» که به دلیل ترس از سیل مجبور شده بود خانه ۵۷۰هزارپوندی‌اش را رها کند، می‌گوید: در غیبتم، سارقان برخی از وسایل خانوادگی و نیز دستگاه‌های الکترونیکی‌ام را سرقت کرده بودند. گرین می‌افزاید: این مشخص است که سارقان به دنبال وسایل کوچک و ارزشمند بوده‌اند چراکه وسایل بزرگ چون تلویزیون و کالاهای باارزش بزرگ را رها کرده بودند.

آمار تلفات سیلاب آمریکا به ۴۸ نفر رسید

آمار تلفات سیلاب و توفان‌های دریایی در آمریکا که ایام تعطیلات کریسمس را می‌گذراند، به ۴۸ نفر رسید. صدها نفر از مردم در مناطق غرب میانه مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند. بارش‌های بی‌سابقه، که باعث افزایش آب رودخانه‌ها شده، به ۳۰ سانتی‌متر رسیده و رودخانه‌های می‌سی‌سی‌پی و میسوری به حد غیرقابل‌پیش‌بینی بالا آمده است. سیلاب‌ها و طغیان رودخانه‌ها زنجیره‌ای از کنش‌ها را در پی داشته که مسیل‌ها و سیستم‌های فاضلاب را زیر آب برده است. سازمان ملی هواشناسی آمریکا پیش‌بینی کرده است سیلاب تا یکشنبه آینده در ایالت‌های میسوری و ایلینویز ادامه خواهد داشت. گزارش خبری شبکه تلویزیونی آمریکایی سی‌ان‌ان نیز حاکی است سطح آب رودخانه‌ها در برخی مناطق از شنبه گذشته تاکنون تا ۱۰ متر نیز بالا آمده است. شهر سنت‌لوییس نیز در معرض تهدید رودخانه می‌سی‌سی‌پی قرار دارد و امکان بالاآمدن این رودخانه تا سه متر نیز وجود دارد. این میزان بالاترین حد سیلاب مخرب پس از سال ۱۹۹۳ است.

قتل کودک با خوراندن الکل

یک مادر اهل «آمریکا» فرزند بیمار خود را به قتل رساند. «اریکا ویگستورم» ۲۲ساله اهل «لوسیانا» به قتل پسر ۱۷ماهه خود که از «سندروم داون» رنج می‌برد متهم شد. این زن با تزریق الکل به بطری غذای کودک و خوراندن مقدار قابل‌توجهی الکل از این طریق، باعث مرگ کودک شد. او در دفاع از خود ادعا کرد برای پایان‌دادن به رنج‌های او این کار را کردم. این زن قبلا نیز او را با مشروبات الکلی مسموم کرده و باعث حمله ناگهانی و آسیب به مغز کودک شده و به یک سال زندان محکوم شده بود.

عکس روز

آتش‌سوزی کارگاه مبل‌سازی در خلازیل با رسیدن به‌موقع آتش‌نشانان چهار ایستگاه خاموش شد. این حادثه ساعت ۲۱:۰۴ سه‌شنبه در کارگاهی مملو از چوب و شاسی‌های مبلمان و مقدار زیادی تینر به مساحت هزار متر مربع رخ داد و در این حادثه فقط یک آتش‌نشان از ناحیه پا دچار مصدومیت شد.